

خلاصه کتاب
سنگ فرش هر خیابان از طلاست

اثر
کیم وو چونگ

این مجموعه متعلق به کتابخانه بلاگ اشتراک ایده های جدید می باشد.

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (مقدمه)

بعد از جنگ ویران کننده کره، چونگ از هیچ شروع کرد و یکی از بزرگترین شرکت های جهان را ساخت. او بنیانگذار و رئیس دوو می باشد. این مرد ۵۵ ساله با نگرش حرفه ای و بی قرارش، تقریباً به همه نقاط جهان دسترسی بی حد و حصری دارد. او بیش از نیمی از سال را به سراسر جهان سرکشی می کند تا فرصت های ممکن را کشف کند. او یک ریسک کننده جسور در جهان سوم محسوب می شود. کیم مسلماً برای فعالیت های خود محرکی دارد، اما محرک او زیاده طلبی نیست. کیم در جهان کسب و تجارت کشور کره موقعیت ممتازی دارد. او گاهی آنقدر خوب به نظر می رسد که نمی تواند واقعی باشد. کیم به جای اینکه صحنه گردان یک نمایش انفرادی باشد، با استخدام بیش از ۹۰,۰۰۰ کارمند و افزودن روحیه خلاق و جسورانه خود به آنها کارآیی خود را چندین برابر کرده است. کیم به نقاط ضعف شخصی اش از عان دارد. او می گوید: "من از نقاشی یا موزیک اطلاعی ندارم. تصور می کنم این نوعی عدم تعادل است، ولی تمام توجه من به کسب و کار است." به هر کجا که می روم، فوراً در می یابم که پول در کجا باید به دست بیاید. روزی به شوخی می گفتم که سنگفرش هر خیابان از طلاست، بنابراین بدون تلاش زیاد، مقدار هنگفتی از آن را به دست می آورم. البته، در دنیا جاهایی وجود دارند که در خیابان های پول نریخته است و پول درآوردن در آن مکان ها کار ساده ای نیست، کار زیاد و مشقت بسیار می طلبد. با این وجود، این شوخی را کرده ام تا نشان دهم علائق واقعی من در کجا هستند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱: رویاها نیروهای لازم برای تغییر جهان هستند).

● تاریخ متعلق به کسانی است که رویاهای بزرگ در سردارند.

در دوران دبستان، بچه فقیری بودم. حتی یک سکه در جیب نداشتم ولی رویاهای بسیاری داشتم. از هر آنچه که جوانی به همراه خود می آورد، رویاها مهمترین هستند. مردمی که رویا دارند، فقر را نمی شناسند. تاریخ متعلق به کسانی است که رویاهایی بزرگ در سر دارند. رویاها نیروهای لازم برای تغییر جهان هستند. رویاها اغلب انسان ساز هستند. آنها شخصیت، کار و حتی سرنوشت انسان را کنترل می کنند. و یک انسان با رویاهای غلط مانند انسان بدون رویا در معرض خطر است.

وقتی که ۵ نفری شرکت صنعتی دوو را راه اندازی کردیم، من یک رویا داشتم. رویای من این بود که با فعالیت جمعی و مشترک به توسعه اجتماعی کمک کنم. همانطوری که شرکت رشد می کرد، رویای من نیز تحقق می یافت، فقط در مدت ۱۰ سال بزرگترین ساختمان کره را در اختیار داشتم، همانجایی که امروز مرکز دوو است. رویای تازه ای را شروع کردم، رویایی که شرکت را تا آنجا توسعه دهم که بتوانیم این ساختمان عظیم را پر از کارمندان دوو کنیم. در حال حاضر رویاهای دیگری در سر دارم. یکی از آنها این است که کالاهایی با بهترین کیفیت در جهان را در زمان حیاتم تولید کنم. من برای این رویا خیلی ارزش قائل هستم، مهم نیست که آن کالا چه باشد. می تواند هر چیزی باشد تا آنجایی که بهترین در نوع خود در جهان به حساب بیاید. رویای دیگر که بزرگترین رویای من است این است که می خواهم از من به عنوان یک کارآفرین محترم یاد کنند. می خواهم در زمینه کارم از من به عنوان یک حرفه ای یاد شود، و آخرین رویای من کمک به ساختن جامعه ای است که در آن کارآفرینان مورد احترام باشند. من آنقدر به کار کردن ادامه می دهم تا این رویا به حقیقت بپیوندد.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲: فلسفه من در زندگی)

● چرا یک خوش بین مادرزاد هستم.

اگر تنها ۱ درصد شانس موفقیت در یک پروژه وجود داشته باشد، یک صاحب کسب و کار واقعی آن ۱ درصد را به چشم جرقه‌ای می‌نگرد تا آتشی با آن روشن کند. در کسب و کار حق ندارید که ۱ را روی ۱ بگذارید و عدد ۲ را بدست بیاورید. شما باید ۱ را تبدیل به ۱۰ کنید و ۱۰ را تبدیل به ۵۰. روش شمارش در کسب و کار چنین است. در سراسر زندگی‌ام، بدون توجه به رویدادهای آن، هرگز خوش‌بینی را کنار نگذاشته‌ام. همیشه موقعیت‌های بحرانی را چیزی بیش از خطرانی آنی و زودگذر تصور نکرده‌ام و این عصاره خوش‌بینی من می‌باشد. به یک معنی، کسب و تجارت را نوعی جنگ تلقی می‌کنم. هرچه کسب و تجارت بزرگتر باشد، حوادث بیشتری در پیش‌رو خواهید داشت و بیشتر باید برای آن مایه گذاشت. وجه تمایز من با سایر صاحبان کسب و تجارت، تجربه قابل ملاحظه من در خرید شرکت‌های ورشکسته و راه‌اندازی مجدد آنهاست. رها کردن عملاً بدبینی است. وقتی دیگران شمارش غیرممکن‌ها را آغاز می‌کنند، من شمارش امکانات را شروع می‌کنم. دقیقاً از همان لحظه آغاز، بایست نسبت به هر آنچه که انجام می‌دهید، خوشبین باشید. اما یک چیز هست که برای تحقق احتمالات ضروری است و آن از خودگذشتگی است. همچنین بایست یک فلسفه زندگی داشته باشید. مردم وقتی واژه فلسفه را می‌شنوند آن را چیزی مغروانه و مشکل در نظر می‌گیرند، اما فلسفه زندگی آنقدرها هم مشکل نیست. مهم نیست که چه کاری انجام می‌دهید، خود را وقت آن کار کنید، و اگر شما می‌توانید که خود را وقف استفاده جامع‌ه کنید، همین کافی است. جرقه برای ایده‌های خلاق از زیاد کارکردن و زیاد فکر کردن سرچشمه می‌گیرد.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳: جرقه برای ایده‌های خلاق از زیاد کارکردن و زیاد فکر کردن سرچشمه می‌گیرد.)

● چگونه رویاهای خلاق داشته باشیم

مغز شما هنگامی رشد می‌کند که از آن استفاده کنید. جرقه برای ایده‌های خلاق زمانی ایجاد می‌شود که شما سخت مشغول کار و تفکر هستید. ایده‌ها از ورود اطلاعات سرچشمه می‌گیرند. در مورد من زمان کاری وقتی است که به نحو احسن فکر می‌کنم. مغز انسان بیشتر نیروهای بالقوه و دست‌نخورده را پردازش می‌کند. می‌گویند که یک آدم تنها در حدود ۱۰ درصد از این نعمت را به طور متوسط استفاده می‌کند. معتقدم که نیروهای بالقوه بیشتر مردم فراتر از مقداری است که از آن آگاهی دارند، یا حاضرند از آن استفاده کنند. هرچه زودتر بیشتر کار کنید، شبها رویاهای شما واقع‌گرایانه‌تر می‌شوند. وقتی که مغز انسان لبریز است رویاها شگفت‌آور هستند. تجربه نشان می‌دهد که رویا، آرزوی انجام کاری است.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴: هر کس که خود را وقف کارش کرده هرگز شکست نخورده است.)

● کار، سرگرمی من است.

مشغله‌ام بسیار است، و باید اعتراف کنم که از این بابت بسیار خوشحالم، اعتقاد دارم که اگر خود را وقف کار کنید موفقیت شما تضمین شده است. هیچکس نیست که خود را وقف کار کرده باشد و شکست خورده باشد. تصور می‌کنم مردم متحیر مانده‌اند که یک اسب کاری همچون من چه لذتی از زندگی می‌برد. به نظر من باعث تأسف است که انسان‌هایی که در سرآغاز زندگی هستند، آنهایی که باید سرشار از آرزوهای بزرگ، نشاط و جاه‌طلبی باشند، احساس کنند که کار باعث دردسر و مزاحمت است. اهانت بزرگی به اخلاق کار است که کار، عرق جبین، و تلاش را تنها از دیدگاه اهانت‌های مالی بنگریم در حالی که شما باید آنها را از دیدگاه اهانت‌های

مالی بنگریم در حالی که شما باید آنها را از دیدگاه پیشرفت، تحقق خواسته‌ها، رشد شخصی و کمک به بهبود وضع جامعه در نظر بگیرید.

اگر مجبور باشم که بگویم از چیزی بسیار لذت می‌برم، باید اعتراف کنم که آن چیز، کار است. هرگز مجبور به کار نکرده‌ام و هیچکس نیز مرا مجبور به کار نکرده است. بنابراین اگر سرگرمی چیزی است که به شما لذت و رضایت خاطر می‌دهد پس سرگرمی من کار است.
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۵: برای پیشگامان جهان جای بزرگی است و به اندازه نامحدود کار وجود دارد)

● جهان جای بزرگی است.

به کار کردن عشق می‌ورزم. از آن نوع افرادی هستم که نمی‌توانند به مدت طولانی آرام بنشینند. شروع کردن یک کار و نیمه تمام رها کردن آن از نظر من هیچ ارزشی ندارد. آنهایی که از شکست و مواجهه با تنش‌ها می‌هراسند، هرگز طعم موفقیت را نخواهند چشید. جهان بزرگ و در انتظار شماست، و کارهای بسیاری هست که می‌توانید انجام دهید. باید جاهایی را پیدا کنید که دست هیچکس به شما نرسیده و کارهایی را بکنید که هیچکس تا به حال انجام نداده است. تاریخ به دست کسانی ساخته شده که اشتیاق انجام اینگونه کارها را داشته‌اند. اینگونه آدم‌ها، پیشگامان واقعی جهان هستند.

تاریخ تایید می‌کند که قدرت و رفاه ملت‌ها با روحیه پیشگامی ساخته شده است و تخریب و ویرانی نتیجه بی‌خیالی و فرار از مسئولیت است.

برای پیشگامانی که مشتاق هستند راههای جدیدی را طی کنند و کارهای تازه انجام دهند، دنیای بیرون واقعاً جای بزرگی است و کارهای نامحدودی هستند که می‌توانند انجام دهند. من اینگونه زندگی کرده‌ام و به همین گونه نیز زندگی خواهم کرد. کارهای تازه خواهم کرد و هر آنچه در توان دارم برای انجام آنها به کار خواهم برد.
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۶: اقلیت خلاق)

فریب اعداد را نخورید، آنها فقط از تعداد حرف می‌زنند، و این محدودیت بزرگی است. فرض کنید ۱۰۰ خوک و ۱ آدم دارید، اعداد فقط می‌گویند که نسبت آنها صد به یک است و بس. اعداد گول می‌زنند. آنها نمی‌توانند از قدرت اقلیت چیزی بگویند.

● اقلیت خلاق

مورخ مشهور آرنولد توین بی از آنانی که کمک به پیشرفت تمدن می‌کنند با عنوان اقلیت خلاق نام می‌برد که اقلیت بسیار کوچکی هستند اما تاثیر آنها با تعدادشان تعیین نمی‌شود بلکه خلاقیت آنهاست که تعیین کننده است. الهامات این گروه اقلیت خلاق به اکثریت غیرخلاق این فرصت را می‌دهد که در توسعه تاریخ شرکت کنند. نمی‌توان تنها گفت که این حق اقلیت خلاق است که این کار را بکنند، بلکه وظیفه و مسئولیت آنهاست و باید این کار را بکنند. اجتماع و تاریخ بدون دخالت آنها نمی‌توانند پیشرفت کنند. این اقلیت خلاق مجبورند که اکثریت غیرخلاق را وادار به تغییر کنند تا تاریخ پیشرفت کند. اگر آنها این کار را نکنند، یک جامعه یا یک تمدن را به آخر خط می‌رسانند.

سرکوب کردن خلاقیت این اقلیت خلاق همچنین منجر به سقوط اجتماع یا تمدن خواهد شد. باید خلاق شد و خلاقیت برای توسعه، پیشرفت و خوشبختی جامعه و نوع بشر کار کرد. آنچه که باید در شما وجود داشته باشد دیدگاهی وسیع و روشن است از آنچه قادرید برای ملت و مردم انجام دهید، و علاوه بر آن چه کار مفیدی می‌توانید

برای تاریخ بشریت انجام دهید. گروه اقلیت خلاق گروهی مثبت است. اقلیت خلاق به پیشرفت تاریخ اعتقاد دارد و نیروی بیشتری به چرخ‌های تاریخ می‌دهد تا پیشرفت کرده و توسعه یابد.
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۷: چه کسی نبوغ خفته را بیدار خواهد کرد؟)

اگر فقط به فکر حفظ خودتان باشید، دیگران از شما پیشی خواهند گرفت. حفظ وضع موجود، واپس‌گرایی است.

● چه کسی نبوغ خفته را بیدار خواهد کرد؟

انسان‌ها توانایی‌های شگفت‌انگیزی دارند که معمولاً در درون ما وجود دارند و ما از آنها آگاه نیستیم. آنهایی که این توانایی‌های بالقوه را کشف می‌کنند موفق می‌شوند.

شما باید خود را به طور خلاق و سازنده پرورش دهید. فیلسوف فرانسوی هنری برگسون گفته است که پیشرفت کردن همان فلسفه طبیعت است. همه موجودات زنده باید به طور فعال و سازنده رشد یابند و این اغلب به نام اصل زندگی نامیده می‌شود. بنابراین همواره باید مراقب پیشرفت خود باشید و تلاش بسیار کنید که هر روز باهوش‌تر، تیزتر و بهتر شوید. باید با دیگران دست و دلباز و با خودتان سخت‌گیر باشید و باید مراقب باشید که در ورطه‌های بهانه‌یابی و توجیه وارد نشوید. اگر خودتان را یک آدم دمدمی مزاج و هوسباز بدانید، دیگران نیز درباره شما همینطور فکر خواهند کرد.

با خودتان سختگیر باشید. هرگز تصور نکنید که به هدفتان رسیده‌اید، هرگز از آنچه به دست آورده‌اید، راضی نباشید. خود را برای بقیه زندگی‌تان آماده کنید. اگر حرکت نکنید، فلج می‌شوید. نیروهای بالقوه خود را تا آخرین حد گسترش دهید، چون اگر اراده کنید، شما هم می‌توانید نبوغ خفته خود را بیدار کنید.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۸: خوشبختی حقیقی چیست؟)

دانش خود را در اختیار دیگران قرار دهید. خودخواهی فکری مثل خودخواهی مادی زشت و منفور است.

● خوشبختی حقیقی چیست؟

دانش همواره به شدت ارزشمند بوده است، و من در دورانی بزرگ شده‌ام که عبارتی مثل: "دانش خود را در اختیار دیگران قرار مده" بسیار رایج بود. این ضرب‌المثل خودخواهی و سردی خاصی را منعکس می‌کند. من شخصاً "دانش خود را با دیگران تقسیم کنید" را ترجیح می‌دهم، چرا که مسئولیت دانایان این است که فرصت یاد گرفتن به دیگران بدهند و این دست و دلبازی نباید تنها محدود به یاد گرفتن باشد، ما باید هرچه داریم را با هم‌نوع خود قسمت کنیم. ما باید دانش و پول خود را با دیگران قسمت کنیم چرا که خودخواهی فکری و مادی هر دو به یک اندازه زشت و منفور هستند. برای دیگران زندگی کردن اهمیت دارد. به محض اینکه شروع کردیم تا برای رفاه دیگران تلاش کنیم، جهان شاداب‌تر، گرم‌تر و خوشبخت‌تر شده و زندگی با ارزش می‌شود.

من شخصاً نمی‌توانم با اطمینان پاسخ این پرسش را بدهم که خوشبختی حقیقی چیست؟، ولی مسلماً می‌دانم که خوشبختی ربطی به دارایی، قدرت و شهرت ندارد. اما به جرئت می‌توانم ادعا کنم که زمانی را به خاطر می‌آورم که از لحاظ مادی در پایین‌ترین حد ممکن بودم ولی خوشبخت‌ترین آدم بودم.

از آن زمان همواره تلاش کرده‌ام تا به فلسفه‌ای عمل کنم که مبنای آن رفاه دیگران باشد. اما متوجه شده‌ام که چقدر مشکل است. ولی با این وجود تصمیم گرفته‌ام حتی سخت‌تر از همیشه تلاش کنم تا آنگونه زندگی کنم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۹: مدیریت هدفمند کافی نیست. تصمیم‌گیری در محل)

کسب و کار چیزی بیش از پول درآوردن است. گاهی اوقات کمتر ضرر دادن نیز مهم است.

● مدیریت هدفمند کافی نیست. تصمیم‌گیری در محل

مدیریت هدفمند شش مرحله دارد: برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، کنترل، انعطاف‌پذیری، تصمیم‌گیری سریع. یک سازمان بزرگ باید انعطاف‌پذیری داشته و خود را با موقعیت‌های متغیر هماهنگ کرده و تصمیم‌های سریع بگیرد. علت اینکه بسیار سفر می‌کنم همین است. در کشورهای در حال توسعه که کسب و کار بسیاری در آنها دارم، اغلب قوانین تغییر می‌کنند. در این کشورها بسیاری از ریسک‌ها بزرگتر از حد معمول هستند. اگر تصمیمی را به تاخیر بیندازید، برایتان گران تمام می‌شود. هنگامی که مدیران اجرایی با بسیاری از عدم اطمینان‌ها روبه‌رو می‌شوند، گاهی اوقات تصمیم‌گیری برایشان مشکل می‌شود. اما کسب و کار فراتر از پول درآوردن است. گاهی اوقات کمتر ضرر دادن نیز مهم است. یک شرکت بزرگ مانند یک گلوله برف غلطان حرکت می‌کند. اما اگر شما در دوران ضرر دادن باشید، اقدام صحیح آن است که کاری کنید تا جلوی ضرر را بگیرید. بنابراین علت سفرهای من بدست‌آوردن اطلاعات به روز و فوری می‌باشد تا در همان محل و به موقع تصمیم‌گیری نمایم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۰: مدیریت هدفمند کافی نیست.)

تصمیم‌گیری در محل کسب و کار چیزی بیش از پول درآوردن است. گاهی اوقات کمتر ضرر دادن نیز مهم است.

● تصمیم‌گیری در محل.

مدیریت هدفمند شش مرحله دارد: برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، کنترل، انعطاف‌پذیری، تصمیم‌گیری سریع. یک سازمان بزرگ باید انعطاف‌پذیری داشته و خود را با موقعیت‌های متغیر هماهنگ کرده و تصمیم‌های سریع بگیرد. علت اینکه بسیار سفر می‌کنم همین است. در کشورهای در حال توسعه که کسب و کار بسیاری در آنها دارم، اغلب قوانین تغییر می‌کنند. در این کشورها بسیاری از ریسک‌ها بزرگتر از حد معمول هستند. اگر تصمیمی را به تاخیر بیندازید، برایتان گران تمام می‌شود. هنگامی که مدیران اجرایی با بسیاری از عدم اطمینان‌ها روبه‌رو می‌شوند، گاهی اوقات تصمیم‌گیری برایشان مشکل می‌شود. اما کسب و کار فراتر از پول درآوردن است. گاهی اوقات کمتر ضرر دادن نیز مهم است. یک شرکت بزرگ مانند یک گلوله برف غلطان حرکت می‌کند. اما اگر شما در دوران ضرر دادن باشید، اقدام صحیح آن است که کاری کنید تا جلوی ضرر را بگیرید. بنابراین علت سفرهای من بدست‌آوردن اطلاعات به روز و فوری می‌باشد تا در همان محل و به موقع تصمیم‌گیری نمایم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۱: درسی برای تصمیم‌گیری)

کار هر چه می‌خواهد باشد، تصمیم‌نهایی با مدیر ارشد است.

● درسی برای تصمیم‌گیری

وقتی که کسب و کاری انجام می‌دهید، به شرایط تصمیم‌گیری بسیار زیادی برخورد می‌کنید. گاهی این تصمیم‌ها جزئی هستند و گاهی نیز این تصمیم‌ها حیاتی بوده و می‌توانند روی تمام سرمایه شرکت اثر بگذارد. ولی کار هر چه می‌خواهد باشد، مدیر باید تصمیم‌نهایی را بگیرد. در طی سالها، با تعداد بسیار زیادی از همکاران کار کرده‌ام. اما لحظه‌هایی که بیش از همه احساس تنهایی می‌کردم، لحظه‌هایی بوده که باید تصمیم‌گیری انجام می‌دادم. البته همکاران و کارمندان همه نوع اطلاعات و کمک را در اختیار من قرار می‌دهند. اما به علت مسئولیت‌هایی که دارم، نمی‌توانند تصمیم‌نهایی را برای من بگیرند. دقیقاً به همان علت که نمی‌توانم آنها را مسئول خودم بدانم. همچنین نمی‌توانم آنها را مسئول تصمیم‌های خودم قرار دهم. تصمیم‌گیری نه تنها در کسب و تجارت،

بلکه در سراسر زندگی اهمیت دارد. زندگی از تصمیم‌گیری‌ها تشکیل شده و یک تصمیم غلط می‌تواند تمام زندگی را نابود کند. گاهی اوقات از خودم می‌پرسم که آیا اینطور نیست که همه ما تنها به این علت زندگی می‌کنیم که فرصت مناسبی پیش بیاید و یک تصمیم درست بگیریم که منجر به موفقیت شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۲: سخت‌ترین فروشی که تا به حال کرده‌ام).

یک کمک ناچیز می‌تواند بسیار با ارزش باشد.

● سخت‌ترین فروشی که تا به حال کرده‌ام.

برای اولین بار که برای فروش کالایی دچار مشکل شدم زمانی بود که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به شیکاگو آمدم و به شرکت سیرز مراجعه کردم تا پیراهن‌های ما را خریداری کنند. در آن روزها هیچکس دوو را نمی‌شناخت. اولین روزی که به فروشگاه سیرز رفتم، پاسخ منفی ندادند ولی گفتند که باید صبر کنیم. اگر لازم بود، ده بار دیگر هم به آنجا می‌رفتم تا بالاخره خریداری را ملاقات کنم. سرانجام قرار شد که جیم وایس را ملاقات کنم. او خریدار ارشد پیراهن‌های مردانه در فروشگاه سیرز بود. فروشگاه سیرز یک سفارش آزمایشی داد و سپس کسب و تجارت ما آرام آرام بالا گرفت به عنوان یک شرکت کوچک، ما افتخار می‌کردیم که اقلام مورد نیاز یکی از بزرگترین فروشگاه‌های ایالات متحده را تأمین می‌کردیم. فروشگاه سیرز بسیار به من کمک کرد چون من نیز به خاطر آن زیاد کار کردم. ارتباط ما، مثل ارتباط اعضای یک خانواده شد.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۳: چگونه از جلسات کاری طولانی اجتناب کنیم یا چگونه

اطلاعات را به سرعت جذب کنیم).

جلسات بیشتر نه تنها باعث کاهش آشفته‌گی‌ها نمی‌شود، بلکه آنها را افزایش می‌دهد. نخست تصمیم‌گیری‌های آسان را انجام دهید. این کار، آنها را از سر راه بر می‌دارد.

● چگونه از جلسات کاری طولانی اجتناب کنیم یا چگونه اطلاعات را به سرعت جذب کنیم.

مدیران اجرایی آمریکایی گله می‌کنند که بخش بزرگی از یک روز کاری را صرف جلسات شرکت می‌کنند. جلسه‌های بیش از حد، فقط آشفته‌گی را افزایش می‌دهد. شما باید ویژگی پنهان هر موقعیت و تجربه‌ای را لمس کنید تا اطلاعات درست را به دست آورده و بتوانید تصمیم‌های صحیح بگیرید. کسب اطلاعات، تشکیل جلسات را توجیه می‌کند. یک مدیر اجرایی رده بالا به اطلاعات کلیدی نیاز دارد تا تصمیم‌گیری کند. من اسناد را نمی‌بینم، به آنها گوش می‌کنم. به جای خواندن گزارش‌ها، آنها را به یک دستیار می‌دهم تا نکات اساسی و سوال‌های موجود را به اطلاع من برساند. در بیشتر مواقع، مدیران نزد من می‌آیند و گزارش شفاهی می‌دهند. اگر موضوع مهمی مطرح باشد، سند مربوطه را همانجا مطالعه می‌کنم. از مدیر اجرایی مربوطه تصمیم او را جویا می‌شوم، اگر تصمیم او صحیح باشد به او می‌گویم: "ادامه بده". می‌خواهم که مدیرانم مسئولیت قبول کنند، به جای آنکه انتظار داشته باشند که همه تصمیم‌ها را من بگیرم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۴: راز انتصاب شغلی خوب).

هیچکس چیزی را از روی زمین بر نمی‌دارد تا بخورد.

● راز انتصاب شغلی خوب.

هر کسی و هر چیزی در زندگی جای خود را دارد. تنها زمانی آرامش و نظم وجود دارد که هر چیزی در جای خودش باشد. وقتی چیزی در جای خودش نباشد، سردرگمی و آشفتگی به وجود می‌آید. خیلی مهم است که ما غذا داریم، چون باید غذا بخوریم. اما مثلاً برنج باید در بشقاب باشد که قابل خوردن باشد. هیچکس برنج را از زمین بر نمی‌دارد تا بخورد؛ چون همین که زمین را لمس کرد، غیرقابل خوردن می‌شود. اگر برنج از بشقاب خورده شود منبع انرژی انسانی می‌شود، اما اگر روی زمین ریخت با بقیه آشغال‌ها دور ریخته می‌شود. بنابراین هر چیزی باید در جای خودش باشد؛ وقتی که چنین نیست، مشکل به وجود می‌آید. مشکلات وقتی ایجاد می‌شوند که کاری را که قرار است انجام دهید، انجام نمی‌دهید. همه ما باید کاری را بکنیم که باید بکنیم. اگر تعادل و توسعه اجتماعی سریع را انتظار داریم، کارگران نباید جای خود را با قشر دیگری عوض کنند. سیاست پرسنلی ما انتصاب شخص مناسب در محل مناسب است، چون این یک ضرورت است تا یک شرکت بر منوال طبیعی خود اداره شود. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۵: چرا مدیران را از همان شرکت ارتقاء می‌دهیم).

هرگاه اشتباهی رخ می‌دهد، مدیر ارشد باید مسئولیت آن را بپذیرد.

● چرا مدیران را از همان شرکت ارتقاء می‌دهیم.

هر کسی که سخت کار می‌کند، می‌تواند مدیر قابل‌قابلی باشد، اما شما بایست تشخیص دهید که بهترین فرد برای یک شغل خاص در شرکت شما چه کسی است. وقتی کسب و تجارت را توسعه می‌دهید به کسی نیاز دارید که با جسارت روبه جلو حرکت کند. پس از توسعه، مدیری از نوع دیگر نیاز دارید تا شرکت را یکپارچه و متحد کند. سپس هنگامی که کسب و تجارت دچار رکود می‌شود، باز هم به نوع دیگری از مدیران نیاز دارید که مجدداً شرکت را به سمت جلو حرکت دهند. بدون شناخت از شخصیت مدیران، قضاوت در مورد آنان مشکل است. چطور می‌شود که مدیر ارشدی را از جای دیگری آورد که مدیران شما را به خوبی بشناسد و از آنان انتظار وفاداری داشته باشد؟ هرگاه اشتباهی رخ می‌دهد، مدیر اجرایی ارشد باید مسئولیت آن را به عهده بگیرد. به این ترتیب، مدیران دیگر به رئیس خود اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند و او می‌تواند شخص مناسب را برای هر شغل انتخاب کند. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۶: چگونه بهترین دستیار جهان را بیابیم).

فرصت های بزرگ باید به دنبال انجام وظایف بزرگ بیایند.

● چگونه بهترین دستیار جهان را بیابیم یا چگونه بهترین برنامه آموزشی را داشته باشیم.

هر سه سال یک بار مرد جوانی را انتخاب می‌کنم که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده باشد تا به عنوان دستیار شخصی من کار کند. همچنین وظایف خطیری نیز بر عهده این شخص قرار داده می‌شود. او همه کار می‌کند از حمل اثاثیه سفر گرفته تا یادداشت برداری از جلسات تا بعداً آنها را پی‌گیری کند. شغل دستیاری شخصی بیشتر از انجام کارهای ضروری من، برای آموزش افراد جوان است. پس از سه سال کار طاقت‌فرسا، دو راه به دستیار شخصی‌ام پیشنهاد می‌کنم و او مختار است هر کدام را که دوست دارد انتخاب کند، یکی امکان ادامه تحصیل در خارج از کشور به هزینه شرکت و دیگری اینکه مستقیماً وارد شغل مدیریت شود. آنها زودتر از دیگران ارتقاء می‌گیرند چون بیشتر و سخت‌تر از دیگران کار کرده‌اند. کار کردن با من برنامه آموزشی مطلوبی است. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۷: چگونه مدیران تنبل را تحریک کنیم تا کار کنند).

● چگونه مدیران تنبل را تحریک کنیم تا کار کنند.

گاهی اوقات متوجه می‌شوم که یکی از روسای ۲۲ شرکت تابعه دوو زیاد سخت کار نمی‌کند. از او می‌خواهم که هر سه ماه یکبار یک گزارش ۲۰۰ صفحه‌ای درباره جزئیات اقداماتی که انجام داده برای من بنویسد. بعد آن گزارش را فقط بایگانی می‌کنم و دیگر هیچ. مدیر مربوطه تصور می‌کند که گزارش را خوانده‌ام. اما نوشتن این گزارش بسیار مهم است، چون او باید همه جوانب شرکت را از نزدیک تحت نظر بگیرد و همین مسئله او را بسیار گرفتار و درگیر می‌کند. بعضی وقت‌ها کمی از گزارش را می‌خوانم، البته به منظور اینکه چند سوالی از او بپرسم. این درمان خوبی برای مداوای مدیران تنبل است.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۸: اهمیت نوآوری و چگونگی انجام آن).

بیشترین نوآوری‌ها بر نظرات ساده استوار هستند.

● اهمیت نوآوری و چگونگی انجام آن

نوآوری در زندگی یک ضرورت است و به آن سختی‌ها نیست که ممکن است شما فکر کنید. این چیزی است که به هر کجا می‌روم، روی آن تاکید می‌کنم. نوآوری به خودی خود مشکل نیست، اینکه آیا می‌خواهید نوآوری کنید یا نه، این مهم است. اگر با دقت به نوآوری‌های واقعاً باارزش نگاه کنید، بیشتر آنها در حقیقت بر اساس نظرات کاملاً ساده بنیاد گذاشته شده‌اند که اغلب نتایج بزرگی به بار می‌آورند. نوآوری همچنین نقش بسیار مهمی در مدیریت شرکتی دارد.

نوآوری نقش برجسته‌ای در تاریخ نوع بشر ایفا کرده است. نوآوری با عزم و اراده یک شخص خلاق شروع می‌شود تا با ساختن یک چیز نو واقعیت رایج را رها کند. من همیشه بر اهمیت خلاق بودن تاکید کرده‌ام، چون افراد خلاق تاریخ‌ساز هستند و حرکت رو به جلوی تاریخ را تداوم می‌بخشند.

ایجاد خلاقیت با مطرح کردن چند سوال درباره وضعیت فعلی شروع می‌شود: "آیا نهایت تلاشم را کرده‌ام؟ آیا شرایط فعلی مطلوب است؟ می‌توانیم محصول بهتری تولید کنیم؟ روش بهتری وجود ندارد؟" چنین کندوکاوی خلاقیت خفته شما را تحریک می‌کند. هر چه بیشتر کندوکاو کنید، نتایج بهتر و بزرگتر خواهد بود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۱۹: به گونه‌ای فکر کنید که گویی مالک شرکت هستید)

● به گونه‌ای فکر کنید که گویی مالک شرکت هستید

اگر نگاهی به اطراف خود بیندازید، آدم‌هایی را می‌بینید که نه تنها به وظیفه خود عمل می‌کنند، بلکه بدون آنکه کسی از آنها بخواهد، به خاطر دیگران نیز کار می‌کنند. از طرف دیگر، آدم‌هایی را هم می‌بینید که تا به آنها نگویند وظیفه خود را انجام نمی‌دهند، چه رسد به آنکه برای دیگران کاری را انجام دهند.

همواره باید با ذهنیت یک مالک کار و زندگی کنید. کسی که چنین ذهنیتی دارد، هرگز مقتضیات زمان او را آزار نمی‌دهد. او خلاق، مبارزه‌جو و سرشار از اراده و تصمیم است. کارمندانی که با این ذهنیت کار می‌کنند، شرکت را به موفقیت می‌رسانند. آدم‌هایی که ذهنیت کارگری دارند، فقط می‌خواهند دستور مقامات بالاتر را اجرا کنند و کاری انجام دهند و حقوق ماهیانه برایشان کافی است. شاید برای انجام دستورات مافوق به سختی هم کار کنند ولی شرکت با چنین کارکنانی هرگز موفق نخواهد شد.

یکی از بدترین کارها در زندگی رفع مسئولیت است. اگر فقط عذر و بهانه بتراشید و فاقد حس مالکیت باشید، به آسانی در ورطه بی تفاوتی و بی خیالی غرق شده و صرفاً یک تماشاچی و ناظر می شوید. متأسفانه، بعضی ها این دوران را "عصر تماشاچی" می نامند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۰: از سندرم قابل قبول بودن برحذر باشید).

قابل قبول بودن به تنهایی هیچگاه راه گشا نیست.

● از سندرم قابل قبول بودن برحذر باشید.

هنوز این کابوس را مکرراً می بینم. کابوسی که در آن نتوانسته ام از دانشگاه فارغ التحصیل شوم. در حقیقت چیزی نمانده بود که فارغ التحصیل نشوم. در ترم آخر دانشگاه به جای حضور در کلاس درس، برای یک آژانس دولتی کار می کردم.

البته دانشجویان ترم آخر، از جمله خودم، به دنبال پیدا کردن کار بودند. ولی این ذهنیت که "دیگه تمومه" عامل بزرگتری برای غیبت از کلاس بود.

من نمی دانستم که در یکی از دروس استاد هر روز حضور و غیاب می کند و به کسانی که تعداد معینی غیبت کرده اند، نمره قبولی نمی دهد. خیلی دیر متوجه شدم و وضعیت دشواری پیش آمده بود.

به نظر من استاد تصور کرد که من دانشجوی بی مسئولیتی هستم، زحمت بسیار کشیدم تا به او ثابت کن که اینطور نیست. بالاخره استاد تسلیم شد به شرط آنکه گزارش خاصی بنویسم و تسلیم کنم. همین کار را کردم و فارغ التحصیل شدم. اما برای من درس خوبی بود تا بر "سندرم قابل قبول بودن" فائق بیایم. دانشجوی سال آخر باید به اندازه دانشجوی سال اول کوشا و ساعی باشد، شاید حتی بیشتر. اما من فقط به این فکر بودم که به گونه ای مناسب وقتم را بگذارم تا فارغ التحصیل شوم. احساس می کرد که همان قدر که قبلاً آموخته بودم کافی و خوب است. درسی که از این تجربه آموختم چنان اثری روی من گذاشت که هنوز درباره آن چنین کابوسی دارم.

در نتیجه، از زمانی که کسب و تجارت خود را شروع کردم هرگز نشانه بیماری "خوبه" را در میان کارکنانم تحمل نکرده ام. این نشانه بیماری هیچ سودی برای شخص یا جامعه در بر ندارد. مهم نیست که چکار می کنم، ولی دوست دارم آن را درست و کامل انجام دهم. این برای موفقیت بسیار ضروری است. اصل درست انجام دادن کار را به همه کارکنانم القاء کرده ام. این اصلی است که مردم نه تنها در تولید، بلکه باید در همه چیز اعمال کنند. نهایت تلاش خود را تا انتهای کار نه تنها مهم بلکه ضروری است. این اصل در دوو یک سنت و عصاره فرهنگ شرکت شده است.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۱: چگونه بازارهای جدید سودآور را انتخاب کنیم).

● چگونه بازارهای جدید سودآور را انتخاب کنیم.

در دوران شکوفایی سازندگی در خاورمیانه در اواخر دهه ۱۹۷۰، ما تصمیم گرفتیم به جای خاورمیانه، به آفریقا برویم چون رقابت در آنجا کمتر بود. بعد از مطالعه وضعیت در آفریقا، ما سه بازار را برای فعالیت انتخاب کردیم: سودان، که بیشترین زمین را دارد؛ نیجریه، که بیشترین جمعیت را دارد؛ و لیبی که ثروتمندترین است. بعضی ها کار در این کشورها را ریسک تلقی می کنند، اما راز موفقیت در کسب و کار در چنین جاهایی این است که تا چه اندازه با این ریسک خوب برخورد شود. مسئله فقط آمادگی است، که مشاهده مداوم برای کنترل توسعه های جدید را ایجاد می کند و به همین علت است که حداقل نیمی از سال را در سفرهای خارج می گذرانم. با دیدن، شنیدن و احساس تغییرات دست اول این امکان وجود دارد که میزان ریسک را به حداقل و بازدهی را به حداکثر رساند.

ما نه تنها کسب و تجارت کردیم، بلکه به دولت کره هم کمک کردیم. بیشتر کشورهای آفریقایی تنها با کره شمالی روابط دیپلماتیک داشتند، اما پس از آشنایی با دوو روابط دیپلماتیک خود را با کره جنوبی عادی کردند. ما ریسک موجود در این بازارها را نادیده نمی‌گیریم، بلکه با توجه به ریسک موجود و آگاهانه این بازارها را انتخاب می‌کنیم. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۲: راهی مطمئن برای سود بردن)

● راهی مطمئن برای سود بردن - به دیگران کمک کنید.

هر کس به نوعی در یک زمانی به کمک نیاز دارد و هیچکس آنقدر بی‌ارزش نیست که نتواند به دیگری کمک کند. همه ما به هم وابسته‌ایم و به کمک یکدیگر نیاز داریم. همیشه کمک به دیگران پاداش دارد. ممکن است این پاداش مستقیماً به شخص نیکوکار برنگردد، ولی کسی از این کمک سود خواهد برد. این در زندگی یک اصل است. کمک به دیگران کمک به خود است. اگر شما تنها چشم به منافع خود داشته باشید و از کمک به نیازمندان اجتناب کنید، ممکن است در کوتاه‌مدت موفق باشید، اما در دراز مدت زیان خواهید کرد. اگر در روابط انسانی تنها به فکر سود شخصی خود باشید، در آن صورت خود را به خطر افکنده‌اید. در هر کاری باید منافع دو طرف را در نظر گرفت. اگر یکی از طرفین تمامی منافع را به قیمت نابودی طرف دیگر می‌طلبد، در آن صورت این رابطه زیاد طول نخواهد کشید.

اگر روابط شخصی خوبی داشته باشید، می‌توانید در زندگی موفق شوید، روابط خوب با اشخاص برجسته موهبتی است که بسیار با ارزش‌تر از پول است، چون روابط خوب را نمی‌توان با پول خرید. اما روابط انسانی همانقدر که مهم هستند، مشکل نیز می‌باشند. و این یک اصل دائمی دیگر است: "چیزهای خوب آسان بدست نمی‌آیند." یکی از عوامل کلیدی در روابط شخصی خوب، اعتماد دو طرفه است که در درازمدت بوجود می‌آید و فقط با صبر زیاد میسر می‌شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۳: نامایمات، سرچشمه فرصت‌هاست).

چرا بحران برای شما مفید است.

● نامایمات، سرچشمه فرصت‌هاست.

اغلب به مردم می‌گوییم که جنگ کره مرا به اینجا رساند. برای اینکه به شما بفهمانم که زندگی آسان نیست این سه اصل از اصول تعالیم بودا را در نظر بگیرید:

- ۱- زندگی رنج و دنیا دریایی از آن است؛
- ۲- زندگی جاده‌ای هموار یا بستری از گل‌های رز نیست؛
- ۳- فراموش نکنید که گل‌های رز خارهای تیزی دارند.

اما ترس بیش از حد از خارهای گل رز همانقدر احمقانه است که از عطر آن مدهوش شوید. فرصت‌ها زائیده نامایمات هستند. آنگاه که همه کارها بر وفق مراد هستند، هر کسی خوب عمل می‌کند. اما هنگامی که همه چیز بر وفق مراد همگان است، باید از خود پرسید: چه چیز باعث شده که با دیگران متفاوت باشید؟ وجه تمایز شما با دیگران چیست؟

زمان مناسب برای انجام کاری آن هنگام نیست که همگان آن کار را انجام می‌دهند. زمان مناسب برای انجام کاری آن هنگام است که هیچ‌کس آن کار را نمی‌کند، یا کسان دیگر هنوز شروع نکرده‌اند و یا آن را متوقف کرده‌اند. آن وقت است که موفقیت به سراغ کسی می‌آید که سخت تلاش کند. کسی که از فراسوی مشکلات، فرصت را می‌بیند. تا هنگامی که نهایت سعی خود را می‌کنید، هرگز به خاطر شکست سرزنش نمی‌شوید. اما اگر فقط کاری که

از شما خواسته شده را برگزار کنید، ممکن است هیچ نگرانی نداشته باشید، ولی هرگز موفق به انجام کاری بزرگ نخواهید شد. مگر امکان دارد بدون چشیدن طعم شکست، طعم موفقیت را چشید؟
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۴: تلاش کنید تا بهترین باشید)

● تلاش کنید تا بهترین باشید.

آنانی که می‌خواهند بهترین باشند باید نهایت تلاش خود را بکنند. اگر نهایت تلاش خود را بکنید، احتمال دارد در اوج قرار نگیرید، ولی می‌توانید خیلی به آن نزدیک شوید. از طرف دیگر، اگر فکر کنید که نمی‌توانید کاری را انجام دهید، اگر فکر کنید که قابلیت‌های انجام کاری را ندارید، پس مطمئن باشید هرگز موفق نمی‌شوید تا کار مهمی انجام دهید. آنچه انجام می‌دهید، مهم است، ولی چگونگی انجام آن مهمتر است. در هر کاری که انجام می‌دهید باید نگرش بهترین شدن باشد. من معتقدم که هر کسی در رشته کاری‌اش نفر اول شده به این علت بوده که هدف والا داشته و نهایت سعی خود را کرده است. تلاش‌های تردیدآمیز هرگز هیچ کس را به اوج نرسانده است. بسیاری از مردم درباره معجزه دو حرف می‌زنند، اما به نظر ما معجزه‌ای در کار نیست، ما فقط سخت‌تر از دیگران کار کردیم و سعی کردیم که در جهان در زمینه کار خودمان بهترین باشیم. من هرگز از دستاوردهای فعلی راضی نیستم، و هرگز از تلاش برای کسب مقامات بالاتر دست نمی‌کشم، چون می‌فهمم برای اجتناب از پشیمانی، تنها یک راه وجود دارد و آن نهایت تلاش در هر کاری است که انجام می‌دهید.
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۵: چگونه از وقت خود بهترین استفاده را ببریم).

● چگونه از وقت خود بهترین استفاده را ببریم.

چیزهای ارزشمند بسیاری در جهان وجود دارد: ثروت، اموال و دارایی، کار و غیره. اما با ارزش‌ترین چیز وقت است. مثل تیری که از چله کمان رها می‌شود و هرگز بر نمی‌گردد. جوانان همیشه به راحتی ارزش زمان را فراموش می‌کنند. جوان بودن یعنی زمان بسیاری در پیش رو داشتن، بنابراین شاید تصور کنید که تلف کردن زمانی کوتاه هیچ اشکالی ندارد. اینطور نیست.

سال‌ها پیش در دوو به شعاری رسیدیم که روحیه حاکم بر دوو را نشان می‌دهد. "ما در زمان صرفه‌جویی می‌کنیم اما در عرق جبین و تلاش صرفه‌جویی نمی‌کنیم." همه ما خیلی خوب ارزش و اهمیت زمان را می‌دانیم. موفقیت و شکست به طور کلی بستگی به این دارد که چگونه وقت خود را سپری می‌کنید. ممکن است دو نفر در یک کاری موفق شوند، اما از آن دو نفر، آنکه از وقت خود عاقلانه استفاده می‌کند موفق‌تر خواهد بود. یک بار حاکم و فیلسوف رومی سنکا، استفاده از وقت را ارزیابی کرد. او گفت که زندگی به اندازه کافی طولانی هست اگر از وقت خود به طور موثر استفاده کنید تا کار بزرگی انجام دهید. اما اگر وقت را برای بی‌بند و باری و تنبلی تلف کردید و به خاطر چیز بالارزشی زندگی نکردید، متوجه می‌شوید که خیلی دیر کرده‌اید. همانطور که او گفت زندگی به خودی خود کوتاه نیست، اما ما با اتلاف وقت آن را کوتاه می‌کنیم.

زندگی ارزشمندتر از آن است که به بطلت بگذرد. حتی از یک لحظه هم غافل نشوید چرا که همه چیز از انباشته شدن لحظه‌ها ساخته می‌شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۶: چگونه جادوگر شویم).

● چگونه جادوگر شویم

جادوگری هست که هر وقت اراده کند از روی میله ۱۰۰ متری می‌پرد. در آغاز این جادوگر نمی‌توانسته بیشتر از ما پرش کند، شاید یک متر و کمی بیشتر. اما روزی هدفی را برای خود در نظر گرفته که آن پریدن از روی میله‌ای به ارتفاع ۱۰۰ متر بوده، و هر روز تمرین کرده و کم‌کم بهتر و بهتر شده است. او همه وقتش را وقف این تلاش کرده است.

هر کس قابلیت‌های بی‌پایانی دارد و تنها تفاوت جادوگران و مردم عادی در این است که جادوگران قابلیت‌های خفته خودشان را به کار برده‌اند و سخت‌تر کار کرده‌اند تا در کاری مهارت پیدا کرده‌اند.

گفتن این حرف خودخواهی است، اما به من لقب جادوگر داده‌اند.

در دانشگاه اقتصاد خواندم ولی شغل اولیه من در رابطه با منسوجات بود که اصلاً ربطی با رشته تحصیلی‌ام نداشت. پس از ده سال کار در این زمینه، جادوگری در رشته منسوجات شدم.

اما قدرت جادوگری من فقط محدود به منسوجات نمی‌شود. همینطور که کسب و تجارت من پیشرفت می‌کرد، به سختی کار کردم تا در خیلی زمینه‌ها خبره شوم.

ما در عصر تخصص زندگی می‌کنیم. کارها روز به روز تغییر می‌کنند؛ زندگی بغرنج‌تر و متنوع‌تر می‌شود و نیاز به متخصص‌ها در حیطه‌های بیشتر و بیشتری آشکار می‌شود. حتی اگر یک نفر از لحاظ فیزیکی بتواند از عهده حجم کاری و جزئیات آن بربیاید. زمان به او اجازه چنین کاری را نخواهد داد. نتیجه، توسعه بسیار زیاد نیروی کار متخصص بوده است که کارایی را بسیار بالا برده است. در نتیجه، در حال حاضر در هر زمینه‌ای به خبرگان نیاز داریم.

سعی کنید در زمینه کار خود بهترین باشید، هرچه می‌خواهد باشد. و اگر نمی‌دانید که چگونه این کار را بکنید، بگذارید نصیحتی به شما بکنم، شما باید خود را غرق در کاری کنید که انجام می‌دهید. عقاید، حکمت و ادراک سراغ کسانی می‌آیند که خود را کاملاً وقت کار خود کرده‌اند. حماقت است که تلاش‌هایتان را برای مدتی طولانی رها کنید تا فکر تازه‌ای به مغزتان خطور کند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۷: تمرینی برای ایجاد اعتماد به نفس).

همیشه بیشتر از آنچه در سر دارید، در عمل خواهید دید.

● تمرینی برای ایجاد اعتماد به نفس

اعتماد به نفس تقریباً همه چیز را ممکن می‌سازد، بنابراین یک بار تمرین کوچکی را برای ایجاد اعتماد به نفس در خودم ابداع کردم. صبح‌ها در سر راه خود به اداره، اعداد پلاک ماشین‌ها را جمع می‌بستم. اوایل برای تمرین ریاضیات این کار را می‌کردم، ولی بعدها به خودم تلقین کردم که اگر حاصل جمع اعداد روی پلاک اتومبیل‌ها همراه با عدد ۹ باشد، که عددی خوش‌یمن در مشرق زمین است، به معنی خوش‌شانسی است. صبح روزهایی که حاصل جمع بیشتری با عدد ۹ را بدست می‌آوردم، مثل ۱۹، ۲۹، ۳۹ اطمینان بیشتری به کسب و تجارت‌م داشتم. اما اگر این حاصل جمع‌ها بیشتر به همراه عدد ۳ بود، اطمینان کمتری به کارم حس می‌کردم. گاهی از راننده می‌خواستم که بیشتر در شهر بگردد تا من حاصل جمع‌های کافی با عدد ۹ بدست بیاورم، آنگاه احساس اطمینان می‌کردم.

ممکن است به دنبال عدد ۹ گشتن خرافی به نظر بیاید، اما وقتی که تعداد بیشتری عدد ۹ در ذهن داشته باشید، با اعداد ۹ بیشتری روبه‌رو می‌شوید. همه ما قدرت آن را داریم که سرنوشت خود را تغییر دهیم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۸: فرمول پنهان من برای سلامتی کامل).

● فرمول پنهان من برای سلامتی کامل

ظاهراً بعضی‌ها تصور می‌کنند که رازی برای سلامتی کامل دارم، چون با سرعت در تکاپو و فعالیت هستم که به نظر آنها خسته کننده می‌رسد. شاید کمی پرویی باشد، ولی همیشه خودم را جوان می‌دانم و در حقیقت هرگز مجبور نبوده‌ام که نگران سلامتی‌ام باشم.

در دوران جنگ کره، روزانه بایست در حدود ۱۰ کیلومتر پیاده‌روی می‌کردم تا روزنامه بفروشم. شاید همین عمل زیربنای خوبی برای سلامتی‌ام شده است. به نظر من کسی که سخت کار می‌کند، به هیچ ورزشی نیاز ندارد. اگر کسی از راز سلامتی من سوال کند، مجبور خواهم شد که بگویم: "کار سخت". من از کارم همه‌گونه انرژی می‌گیرم؛ با این وجود می‌توانم درک کنم که کار ملال‌آور و خسته‌کننده برای سلامتی زیان‌آور است. اما کاری که از آن لذت می‌برید، انرژی بیشتری به شما می‌دهد، بنابراین لذت را به کار اضافه کنید آنگاه واقعاً احساس شادابی و نشاط می‌کنید. فکر می‌کنم که کمک بزرگ دیگری برای سلامتی این باشد که بتوانید همه‌چیز بخورید. البته درست و اصولی بخورید. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید که غذا بهترین داروی پیشگیری است.

اگرچه من یک کارآفرین هستم، ولی واقعاً معتقدم که روان انسان از جسم او مهم‌تر است. هدف کارآفرین بودن چاق شدن نیست. ما باید آن دسته از گرایش‌های مادی و اقتصادی را که منجر به تن‌پروری و شکم‌های چاق می‌شود رد کنیم. ماده‌گرایی تا آنجایی خوب است که به موازات آن روان انسان نیز غنی شده و تقویت شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۲۹: چهار طریق برای یافتن بزرگترین معلم خود).

● چهار طریق برای یافتن بزرگترین معلم خود.

تجربه معلم بزرگی است. تجربه حقایق زندگی را به شما می‌آموزد و شما را پخته می‌کند. به جز اعمال نکوهیده اخلاقی، هر چیز دیگری را باید تجربه کرد. سخت ورزش کنید، سخت درس بخوانید، هر تعدادی که امکان دارد، دوست پیدا کنید و عاشق شوید. سعی کنید بیل زدن یاد بگیرید، رانندگی را بیاموزید و به کوهنوری بروید. اگر هر چیزی را یک بار تجربه کنید، بهتر از آن است که هرگز آن را تجربه نکنید. چون چیزی را باید تجربه کنید تا آن را بشناسید.

با توجه به تجربه‌ام، به شما چند نصیحت می‌کنم:

اول، هر زمان فرصت کردید، به مسافرت بروید. اگر بینش درستی داشته باشید، مسافرت دنیاها را به روی شما می‌گشاید. جایی وجود ندارد که ارزش یک بار سفر را نداشته باشد، دوم، پیشنهاد می‌کنم که با انواع آدم‌ها دوست بشوید. دوستان گوناگون از طبقات مختلف داشتن ثروت بزرگی است. سوم، هر کاری را با عزم و اراده انجام دهید. اگر اراده واقعی داشته باشید، هر کجا هستید می‌توانید خلاق باشید.

چهارم، همیشه یک کتاب جیبی به همراه داشته باشید چون کتاب‌ها تجربه‌های غیرمستقیم شما هستند. کتاب را نیز مانند دوست گرفتن متنوع و گوناگون انتخاب کنید.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۰: شش کلید موفقیت در آغاز یک شغل تجاری).

● شش کلید موفقیت در آغاز یک شغل تجاری

اگر خلاق باشید، راه‌های مختلف بسیاری برای موفقیت در کسب و تجارت وجود دارد. نصیحت من به کسی که کسب و تجارت جدیدی را آغاز می‌کند، این است:

از همان آغاز کار، باید به سختی کار کنید. هیچ چیزی بدون تلاش بدست نمی آید. نوآوری های کوچک اهمیت دارند. حتی اگر شغل اولیه شما تنها پر کردن تعدادی فرم چاپی باشد، می توانید راه هایی را کشف کنید که آن را با کارایی بیشتر انجام دهید. نه تنها برای خودتان، بلکه برای دیگران کار کنید. این عمل نوعی بیمه کردن کار است. اگر برای یکصد نفر دیگر کار کنید، تجربه من نشان می دهد که چندین برابر برگشت دارد.

از نگرانی بیش از اندازه برای سود خالص شخصی اجتناب کنید. من هرگز پولم را شمارش نکرده ام که ببینم چقدر دارم. به این علت که همواره اطمینان داشتم که قادر هستم در هر زمانی پول در بیاورم. راز این کار، سخت کار کردن است. اگر به خود اطمینان داشته باشید، هر کاری شدنی است. هر مشکلی که به وجود بیاید، همیشه راهی برای حل آن وجود دارد.

فرصت های بالقوه نامحدود هستند، اما شما بدون کار سخت نمی توانید آنها را ببینید. فکر کردن هم کارسختی است، و به سوی خلق کارهای تازه رهنمون می شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۱: فقط مجسم کنید که چه کاری را می خواهید انجام دهید).

● فقط مجسم کنید که چه کاری را می خواهید انجام دهید

شما می توانید آینده خود را در ذهن خود با قدرت های ذهنیتان خلق کنید. اگر خود را کمتر از دیگران بدانید، اگر منفی بافی کنید و خودتان را یک آدم معمولی بدانید، در آن صورت، همان خواهید شد که تصور کرده اید. اما اگر خودتان را یک پله بالاتر از دیگران تصور کنید و با اطمینان زندگی کنید، در آن صورت، قطعاً این اتفاق خواهد افتاد. حتی هنگامی که خیلی جوان بودم، می خواستم که یک صاحب کسب و تجارت شوم. احساس می کردم هر کاری را شروع کنم، می توانم به پایان برسانم. تنها کاری که می باید می کردم این بود که تصمیم بگیرم و سپس موفق می شدم. در جوانی وقتی که هیچ چیز نداشتم، آن اطمینان عاری از ترس تنها سلاح من بود و باید اعتراف کنم که این بزرگترین و موثرترین سلاحی بود که می توانستم داشته باشم.

کارآفرین بزرگ ژاپنی توکووشیو یک بار مطلب مهمی درباره استحکام و اطمینان گفت. او گفت که برای موفق شدن در کاری، باید قابلیت داشته باشید، اما تنها قابلیت کافی نیست، شما همچنین باید انگیزه، تمرکز و سخت کوشی داشته باشید. این همان چیزی است که او استحکام نامید.

زندگی درهای خود را به روی کسانی می گشاید که به خود اطمینان دارند، آنانی که ایمان دارند، آنهایی که زندگی را با انرژی و قدرت به مبارزه می طلبند. رابرت شولر گفت که: "هر چیزی که امروز داریم، زمانی غیرممکن تصور می شد."

معتقدم که افراد با قابلیت های بسیار زیاد به دنیا می آیند و خلق شده اند تا از آنها استفاده کنند و استفاده نکردن از آن قابلیت ها محروم کردن نه تنها فرد، بلکه کل جامعه است. هر چه که می خواهید انجام دهید، مجسم کنید که انجام داده اید، و سپس از عقل خود استفاده کنید، خواهید دید که می توانید آن کار را انجام دهید.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۲: رقیبان خود را چگونه تلقی کنیم).

● رقیبان خود را چگونه تلقی کنیم.

کتابخانه شخصی بلاگ اشتراک ایده های جدید

ما در دوران رقابت فشرده زندگی می‌کنیم، آنقدر فشرده که زندگی خودش رقابت شده است. اگر در مسابقه نفر اول نشوید، بازنده خواهید شد؛ مدال طلا فقط یکی است.

دوو یک تیم فوتبال حرفه‌ای دارد به نام "دوو رویالز" و دو سال پیش من به عنوان رئیس اتحادیه فوتبال کرده انتخاب شدم. در فوتبال، به جز دروازه‌بان، اگر بازیکنی توپ را با دست لمس کند، برخلاف مقررات است، همچنین است اگر بازیکنی دیگر را به زمین انداخته و یا سد راه او شود. بازی عادلانه یک ضرورت است.

زندگی نیز مانند فوتبال قوانین و مقررات خودش را دارد. ما همه در بازی زندگی ورزشکار هستیم. باید رقابت کنیم و باید عادلانه بازی کنیم. در غیر این صورت، بازی بی‌معنی می‌شود. مهم‌ترین چیزی که در بازی زندگی هست، این است که رقیبی عادل و عفیف باشیم. این حتی از برنده شدن هم مهم‌تر است.

شرکت‌ها به طور بی‌امان با یکدیگر رقابت می‌کنند تا تولید بهتری ارائه دهند. در نتیجه این رقابت کیفیت به نفع مصرف‌کننده بهتر می‌شود. اگر فقط یک سازنده وجود داشت، تکنولوژی و کیفیت احتمالاً پیشرفت قابل توجهی نمی‌کرد.

اما شرکت‌هایی هم هستند که از وسایل انحرافی استفاده می‌کنند و رقابت را دور از دسترس خود می‌بینند. آنها شایعاتی را برای رقیبان خود اشاعه می‌دهند. این همان زمانی است که معنی و روح صحیح بازی عادلانه گم می‌شود.

همه شما شنیده‌اید که می‌گویند: "هدف وسیله را توجیه می‌کند." اما در رقابت صحیح هدفی وجود ندارد که بتواند یک وسیله ناجوانمردانه را توجیه کند. ناجوانمردانه بازی کردن، تجاوز از اصول رقابت صحیح است. آنها که جوانمردانه بازی می‌کنند برندگان نهایی بازی هستند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۳: خطرهای حس اغناء).

● خطرهای حس اغناء

جوان سرشار از روحیه مبارزه با وضع موجود و ماجراجویی یافتن غیرممکن‌هاست. همین روحیه است که جوانی را با ارزش می‌کند و آن روحیه، شادابی جوانی را تضمین می‌کند. جوان از شکست نمی‌هراسد. جوانان دنیای فردا را خلق می‌کنند. چون جوان هستند هیچ خطری را نمی‌شناسند و سرشار از نشاط و طراوت هستند. جوانان آینده‌ای را مجسم می‌کنند که پر است از منافع و دستاوردها.

آرامش، راحت‌طلبی و صرفاً حفظ وضع موجود را علائم نابودی جوانی بدانید. نمونه‌هایی را سراغ دارم که جوانان سرزنده و با نشاط وقتی به سطح مدیریت می‌رسند، احساس رضایت و اغناء می‌کنند. آنان نمی‌دانند با رضایت از وضع موجود، خودشان را محکوم به فنا کرده‌اند. هرگز نباید زمانی فرارسد که فکر کنید و بگویید: "بالاخره موفق شدم." احساس رضایت از رسیدن به هدف خطرناکترین لحظه است. اگر به یک هدف رسیده‌اید، باید هدف بعدی را معین کنید.

شرط زنده بودن، حرکت است و فعالیت نشان‌دهنده زنده بودن شماست. همیشه رضایت و خشنودی نشانه پایان هر چیزی است.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۴: نصیحتی به جوانان)

● به ندای درون گوش دهید.

بعد از غذا خوردن در رستوران، بسیاری از خارجی‌ها، از گارسون تقاضای کیسه‌ای می‌کنند تا اضافه غذای خود را در آن بریزند ولی ما کره‌ای‌ها این کار را نمی‌کنیم. به نظر می‌آید که ما خیلی به ظاهر اهمیت می‌دهیم. دوست داریم که خودمان را جور دیگری نشان دهیم. فکر می‌کنیم که با تظاهر و ریا می‌توانیم توجه دیگران را جلب کنیم. ما این را پز عالی، جیب خالی می‌نامیم.

با به رخ کشیدن ظاهر دروغین، زندگی را بر خود حرام نکنید. جوانی دورانی از زندگی است که باید خود را وقف گسترش زیبایی درون کنید. ارزش و آراستگی واقعی نمی‌تواند از ظاهر شما سرچشمه بگیرد. آنها ارزش‌هایی هستند که باید از باطن شما نشأت بگیرند. آراستگی ظاهر سبک‌سری است، اما آراستگی واقعی که از باطن شما سرچشمه می‌گیرد، بلندپایه و ارزشمند است و آراستگی این چنینی پایدار و جاودانه است. جوانی دوران مهمی از زندگی است و آنقدر کوتاه و زودگذر است که نباید صرف هوس‌های فانی شود. اولین پروژه ما در سودان ساختن میهمانسرای ریاست جمهوری بود. دولت سودان واقعاً مایل نبود که با ما معامله کند هر چند من احساس می‌کردم که اگر این فرصت را از دست بدهیم، هرگز قادر نخواهیم بود که به بازار سودان راه پیدا کنیم. تصمیم گرفتم به جای حرف زدن، وارد عمل شوم. چرا؟ چون معتقدم "دو صد گفته چون نیم کردار نیست."

حرف زدن، راه متقاعد سازی نیست، حرف مهم است، و باید قادر باشید که خوب و صادقانه حرف بزنید. باید قادر باشید که با افکار تان دیگران را تحت تاثیر قرار دهید، ولی عمل است که واقعاً روی دیگران تاثیر می‌گذارد. حرف ممکن است گاهی بی‌اثر باشد، اما عمل هرگز چنین نیست و ناکامی ندارد. اگر واقعاً می‌خواهید که کسی حرف شما را باور کند و به شما ایمان بیاورد، باید صادقانه و به طور قانع‌کننده‌ای عمل کنید.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۵: دنیا مال شماست)

● دنیا مال شماست

باید آینده‌نگر بود. مردمی که همیشه به گذشته چسبیده‌اند و همواره می‌گویند: "قدیما همیشه ما ..."، گذشته چشم آنها را کور کرده و نمی‌توانند آینده را ببینند. به گذشته چسبیدن و به آسایش وضع موجود راضی بودن، شما را از دیدن آینده محروم می‌سازد.

قورباغه‌ای که در قعر چاه زندگی می‌کند، هیچ درکی از گستردگی جهان اطراف خود ندارد. کوهی که از آن بالا می‌روید، هرچه بلندتر باشد، چشم‌انداز وسیع‌تری در پیش‌رو خواهید داشت. هرچه پرنده بیشتر اوج بگیرد، جهان گسترده‌تری در مقابل خواهد داشت. بیرون رفتن و مشاهده این جهان پرابهت دیدگاه شما را وسیع کرده و به شما کمک می‌کند که بر خودخواهی و خودمحوری فائق بیایید.

از همان ابتدا، هدف من جهان بود. بازار داخلی محدود و بازار جهانی محدود است. با برداشتن مرزها و موانع و گشودن آن بازار نامحدود، دوو را رشد و توسعه دادم. از آغاز، الویت استخدام را به آنهایی دادم که مایل بودند جهان را به مبارزه بطلبند. آنانی که می‌خواستند دنیای تازه‌ای خلق کنند، و آنانی که جهانی فکر می‌کردند، چون آنان نشان‌دهنده روحیه دوو بودند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۶: افرادی که بیشترین تاثیر را روی من گذاشتند)

● افرادی که بیشترین تاثیر را روی من گذاشتند

اعتقاد دارم آدم‌هایی را که ملاقات می‌کنید می‌توانند روی جهت و کیفیت زندگی شما اثر بگذارند. ادامه دادن راه آدم‌های نمونه و مورد احترام شما، امری اجتناب‌ناپذیر است.

بیشترین سهم از آنچه امروز هستیم، حاصل دیدارهای معنی‌داری است که با آدم خاصی داشته‌ام. آدم‌هایی که همیشه در خاطر من زنده هستند. بنابراین بگذارید در اینجا نامی از آنها ببرم. مادر من شخص فوق‌العاده برجسته‌ای بود. البته اکثر مردم برای مادرانشان احترام قائل هستند، ولی من به طور اخص به مادرم افتخار می‌کنم. او را هنوز می‌توانم روشن و واضح به خاطر بیاورم، یک مذهبی متقی که بدون استثناء روزی چهار بار دعا می‌کرد و حمد و ثنا می‌خواند. باید بگویم که دعاهای او منبعی عظیم از قدرت برای من بود.

معاون گروه دوو، لی‌وو- بوک یکی از همکلاسی‌هایم بود وقتی که دوو را تاسیس کردم و یافتن کمک بسیار سخت بود، لی همیشه حی و حاضر بود تا کمک کند. مشکل است که قدردانی خود را نسبت به او بیان کنم که چگونه در همه حال در کنارم بود.

یکی از معلم‌های دبیرستان به نام لی سوئک - هی نیز تاثیر بسیاری روی من گذاشت. او اکنون رئیس بنیاد دوو می‌باشد. آقای لی در زندگی من، اولین کسی بود که شخصیت و نیروی بالقوه خفته مرا تشخیص داد و به همین دلیل است که معتقدم دیدار با او نقطه عطفی در زندگی من بود. اگر افراد به شما ایمان داشته باشند، شما هم سعی می‌کنید هرگز آنها سرشکسته نشوند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۷: درسی از جهان عنکبوت‌ها)

● درسی از جهان عنکبوت‌ها

نوعی عنکبوت وجود دارد که با مهارت زیادی تعداد بسیاری تخم در پوست تنه درختان می‌گذارد و آنها را با تارهای خود پنهان می‌کند. وقتی نوزادان از تخم بیرون می‌آیند، مادر بدون آنکه به فکر خودش باشد، به دنبال تهیه غذا برای نوزادانش می‌رود، درست مثل حیوانات و حشرات دیگر که همین کار را می‌کنند. وقتی نوزادان به اندازه کافی قدرت پیدا کردند که بتوانند غذای خود را تهیه کنند، مادر خسته و وامانده می‌میرد.

رفاه نسل آینده بستگی به فداکاری‌هایی دارد که نسل کنونی انجام می‌دهد. به راستی، که هیچ رفاهی بدون فداکاری ممکن نیست.

تجربه من نشان می‌دهد خانواده‌هایی که خوب زندگی می‌کنند آنهايي هستند که والدینشان فداکاری کرده‌اند و برای نسل بعد به سختی کار کرده‌اند، به جای آنکه برای خودش کار کنند. گویی که از قانون عنکبوت‌ها پیروی کرده باشند، والدین ما کمربند خود را محکم بسته‌اند و برای ما سخت کار کرده‌اند. رفاه امروز ما حاصل فداکاری‌های نسل قبل می‌باشد.

ما باید حس فداکاری گذشته و روحیه به مبارزه طلبیدن آینده را تجدید کنیم، چون هنوز در دورانی زندگی می‌کنیم که کار سخت و مداوم می‌طلبد. اگر واقعاً از دیدگاه فداکاری هر نسل برای نسل دیگر به مسئله نگاه کنید، پس هر نسلی باید برای آینده‌ای حتی بهتر فداکاری کند. مهم نیست که دستاوردها چه هستند، یک نسل باید خود را کنترل کند تا احساس رضایت نکند. احساس رضایت یک نسل به عدم رضایت نسل بعد می‌انجامد.

بچه، میوه از درختی می‌چیند که پدر بزرگش آن را کاشته باشد. اگر درختی وجود نداشته باشد، بچه میوه‌ای نخواهد داشت که بچیند. اگر کل یک نسل تنها به فکر خودش باشد، چه چیزی برای نسل بعد باقی خواهد ماند؟ اگر حتی ما وجود نداشته باشیم تا میوه‌ها را بچینیم، مسئولیت داریم تا درخت‌ها را بکاریم.

فداکاری تنها زمانی ممکن است که تمام افکار "من" را از خود دور کنید یعنی وقتی که شما تنها به فکر دیگران باشید و "خوب بزرگتر" را به حرص و ولع و منافع خود ترجیح دهید. فداکاری شکل غایی ایثار است.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۸: یک رهبر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد)

● یک رهبر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد

یک ضرب‌المثل کره‌ای می‌گوید: "چشمه‌ساران زلال هستند که رودهایی با آب تمیز و زلال را تشکیل می‌دهند." و این درست است. آبهای بالادست باید زلال باشند تا یک رودخانه پاک و تمیز باشد. جامعه هم همینطور است. رهبران باید پاک و عفیف باشند تا جامعه پاک باشد، اغراق نیست اگر بگوییم که جامعه را با رهبرانش می‌توان ارزیابی کرد. ویژگی‌های یک رهبر چیست؟ رهبران باید قابلیت‌های بسیاری داشته باشند. آنها باید قاطع بوده و قدرت سازماندهی داشته باشند. رهبران باید با رهبری قوی تضادها و بی‌لیاقتی‌ها را اصلاح کنند. رهبران باید حس وظیفه‌شناسی داشته باشند. رهبران بایست کار خود را حکمی آسمانی تلقی کنند. آنها باید برای کار خود زندگی کنند و برای آن نیز بمیرند. تنها و تنها ماموریت آنها همین است و بس. کسی که رهبری را ابزاری برای منافع شخصی خود می‌داند، صلاحیت رهبری ندارد. رهبر بایست حس مهم فداکاری داشته باشد که آن از حس ماموریت سرچشمه می‌گیرد چرا که این دو دست در دست یکدیگر دارند و همراه یکدیگر هستند. رهبریت چیزی نیست که تنها از نشستن در یک جایگاه رفیع به دست بیاید. تنها آنانی که حاضر هستند زندگی خصوصی خود را فدا کنند، چیزهای مورد علاقه خود حتی خانواده خود را، می‌توانند رهبر شوند. از طرف دیگر، آدم‌های دیگری هستند که تنها به خاطر خوشبختی و منافع خودشان کار می‌کنند. آنها بیشتر با زندگی خانوادگی و شخصی خود خوشبخت و خشنود هستند تا با آن حس رضایتی که از حرکت به سوی موفقیت و توسعه سرچشمه می‌گیرد. اینگونه افراد هرگز از سطح مدیریت بالاتر نمی‌روند. کسی در جایگاه یک رهبر مورد احترام است که حس ماموریت واقعی، حس فداکاری و ارزش‌های قوی در او وجود داشته باشد. این وجه افتراق یک رهبر و یک دیکتاتور است. مردم از روی احترامی که برای یک دیکتاتور قائل هستند از وی اطاعت نمی‌کنند، بلکه این اطاعت از روی ترس است. مردم از رهبران واقعی نمی‌ترسند، بلکه به آنان احترام می‌گذارند. قدرت و اعتبار از احترام نشأت می‌گیرد و یک رهبر باید احترام را کسب کند. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۳۹: پول خنثی است)

● پول خنثی است

یک انسان باهوش می‌داند که چگونه از وقت و پول عاقلانه استفاده کند. بنابراین بگذارید به شما بگویم که حتی مبلغ ناچیزی را نیز به هدر ندهید همانطور که نباید وقت خود را هدر دهید. خوب است که از عنفوان جوانی برخوردار سالمی با پول داشته باشید. البته پول به خودی خود خنثی است، پول نه خوب و نه بد است. چیزی که خوب یا بد است این است که چگونه از آن استفاده می‌کنید. از پول زمانی باید استفاده کرد که ضرورت ایجاب می‌کند، و معیار آن قابلیت فایده‌رسانی است. پول هنگامی عاقلانه خرج می‌شود که هزینه تحصیلی خود را پردازید. صرف هزینه‌های پزشکی خودتان شود، و یا به نیازمندان کمک کنید، که در چنین مواردی نباید خسیس بود. از پول احمقانه استفاده نکنید، مثلاً هوس می‌کنید چیزی را بخرید در حالی که اصلاً به آن احتیاجی ندارید. وقتی شرکت ماشین‌سازی کره را خریدم تصمیم گرفتم که تسهیلات رفاهی کارکنان را ایجاد کنم. مدیران در آن زمان به مخالفت برخاستند. مدیران اعتراض‌های قابل قبولی داشتند. شرکت با کسری موازنه پرداخت جدی روبه‌رو بود. مدیران احساس می‌کردند که اولویت باید به تسویه بدهی شرکت داده شود، و واقعاً هم دلیلی بر رد این ادعا نداشتیم. اما تردید به خود راه ندادم. تصمیم من این بود که اول منافع کارکنان را در نظر بگیرم.

اگر چیزی برای من باارزش باشد، دیگر به فکر رقم و مقدار آن نیستم. از طرف دیگر، اگر بینم که پولی غیرعقلانه خرج می شود، خیلی خیلی ناراحت می شوم.

کارخانه های تولیدی دوو آلودگی زیادی را ایجاد نمی کنند، اما اگر کارخانه ای ایجاد آلودگی کند، تردیدی به خود راه نمی دهم تا برای ساختن امکانات حفظ محیط زیست در کارخانه پول خرج کنم.

ما خوب می دانیم که چطور به شکلی موثر و صحیح از پول استفاده کنیم. کسی که پول را به موقع خرج می کند، کسی است که می داند چگونه عقلانه از پول استفاده کند. همه چیز بستگی به شعور استفاده کننده دارد.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۰: بهترین نوع مدیرعامل)

● بهترین نوع مدیرعامل

یکی از انواع مدیرعامل ها کسی است که احترام زیادی هم برایش قائل هستند و استحقاق این احترام را نیز دارد. او زبردستانش را تشویق می کند تا افکار جدیدی را ارائه دهند و جزئیات آن را بخوبی انجام دهند. این نوع مدیرعامل برای خیلی از شرکت ها مناسب است.

اما من از نوع دیگر هستم، مدیری که خود دست اندرکار است. البته این نوع مدیریت خطرات خاص خود را دارد. وقتی کارکنان با طرح ها یا ایده هایی پیش من می آیند که بسیار هم سخت روی آنها کار کرده اند، من می خواهم آنها را تشویق کنم، ولی همواره راه بهتری برای انجام آنها به نظرم می رسد.

به همین صورت است وقتی که مدیران نزد من می آیند و با افتخار توضیح می دهند که چگونه تصمیم دارند از پروژه ای حمایت مالی کنند. هرچند بسیار مشتاق به تشویق مدیران هستم، ولی تقریباً همیشه طرح های آنان می تواند بهتر باشد و باید به آنها بگویم که: "بهتر از این می تونی این کار رو بکنی." نوع رهبری من ممکن است مناسب همه شرکت ها نباشد، اما باعث می شود تا دستاورد افرادم آنقدر بالا باشد که حتی خوابش را هم نمی دیده اند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۱: چگونه پول در آوریم و چگونه آن را خوب خرج کنیم)

● چگونه پول در آوریم و چگونه آن را خوب خرج کنیم

وقتی صحبت از پول درآوردن باشد، من یک خبره هستم. هر جایی که می روم، فوراً متوجه می شوم پول را از کجا می توان درآورد. یک بار به شوخی گفتم که در هر خیابانی پول ریخته است، بنابراین می توانم آن را پارو کنم. البته، جاهایی در دنیا وجود دارند که خیابان هایش پر از پول نیستند و پول درآوردن در آنجاها مشکل است.

چون برای پول درآوردن استعداد دارم، هر گاه برای بازدید به جایی می روم، فوراً به من الهام می شود که چه کالایی در این مکان به فروش می رود. اما استعدادی که هنوز در من نیست و باید بوجود بیاید و یکی از عیب های من است این است که وقتی به پول خرج کردن می رسم، پول درآوردن را فراموش می کنم.

من پول را در گوشه و کنار دنیا برای خود و خانواده ام درنیاورده ام. اگر اینطور بود، تا حالا مرد بسیار ثروتمندی بودم و در عین حال احساس پوچی می کردم. هرگز احساس نکردم که دوو متعلق به من است. من مالک دوو نیستم، من متخصص در مدیریت آن هستم.

خیلی ساده بگویم، همه پولی را که من درآورده ام به من تعلق ندارد.

انجام کسب و تجارت صرفاً برای ارضاء خواسته های خود اشتباه است. علت آنکه از بعضی از کارآفرینان انتقاد می شود این نیست که پول زیاد درنیاورده اند یا اینکه خیلی زیاد پول درآورده اند، بلکه علت این انتقادات آن است که این کارآفرینان نمی دانند چگونه عقلانه از آن استفاده کنند.

اگر شما استعداد استفاده عاقلانه از پول را ندارید، پول را در اختیار کسی قرار دهید که این استعداد را دارد. کار سختی نیست، فقط تصور کنید پولی را که درآورده‌اید تنها و تنها متعلق به خود شما نیست. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۲): چرا مدیران ارشد باید پایین تر از حد امکاناتشان زندگی کنند.

● چرا مدیران ارشد باید پایین تر از حد امکاناتشان زندگی کنند.

معمولاً وقتی در سفر هستم از اقامت در سوئیت هتل خودداری می‌کنم. یک اتاق معمولی کفایت می‌کند چون در این اتاق فقط می‌خوابم و در کشورهای جهان سوم معمولاً در اقامتگاه کارکنان دوو با دیگر کارکنان دوو اقامت می‌کنم تا ببینم آنها چگونه زندگی می‌کنند و وقت بیشتری را با آنها می‌گذرانم. این فقط به خاطر آن نیست که فروتنی نشان دهم و یا صرفه‌جویی در پول کنم، بلکه می‌خواهم روحیه اصلی خودم را نشان دهم. شما باید زیر سطح امکانات خود زندگی کنید، این به شما حاشیه امنیتی می‌دهد. اگر شما در یک سطح عالی زندگی کنید، آنگاه زندگی در سطح پایین‌تر مشکل می‌شود. هر کس حد و مرز خاص خودش را دارد. حد و مرزی که می‌تواند از عهده آن بربیاید و بیشتر مردم سعی می‌کنند نشان دهند که می‌توانند بهتر از آن زندگی کنند، واقعاً بالاتر از استطاعت خود. من احساس راحتی بیشتری می‌کنم اگر حداقل یک پله پایین‌تر از حد توان خود زندگی کنم. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۳): چرا دیوانه‌وار کار می‌کنم

● چرا دیوانه‌وار کار می‌کنم

من احساس می‌کنم که یک شرکت نباید فقط برای منافع مادی وجود داشته باشد. شرکت‌هایی که تنها برای منافع مادی وجود دارند و شرکت‌های دیگری تنها برای انجام دادن کار، افرادی هم هستند که تنها به فکر بدست آوردن پول هستند و افراد دیگری تنها برای انجام دادن کار وجود دارند. افرادی که تنها دلبسته ثروت خود هستند هرگز راضی نخواهند شد، چون برای حرص و طمع آنها حدی وجود ندارد. کسی که تنها برای ثروت خود زندگی می‌کند، هرگز نمی‌تواند لذت واقعی زندگی را بفهمد، چون طبیعت حرص و طمع مادی حد و مرز نمی‌شناسد. به مقدار ثروت و دارایی خود احمقانه است، چون معنی این کار این است که شما چیز دیگری برای بالیدن ندارید. کسی که مقدار زیادی ثروت روی هم انباشته و نمی‌داند که چگونه از آنها به نفع مردم استفاده کند، ثروتمند نیست، بلکه فقیر است. از طرف دیگر، کسی که ثروت ناچیزی دارد و می‌داند که چگونه از آن به نفع دیگران استفاده کند، ثروتمند واقعی است. اگرچه من مدیر یک شرکت معظم هستم، هیچ علاقه‌ای به اموال و دارایی ندارم. مردمی که تصور می‌کنند یک کارآفرین از روی حرص و ولع برای اموال و دارایی شرکتی را اداره می‌کند هرگز قادر به درک لذت ناب موفق شدن به ساختن یک شرکت بزرگ یا انجام کسب و تجارت بزرگ نخواهد شد. آنها تصور می‌کنند من که شبانه‌روز ۲۴ ساعته را خیلی کوتاه می‌دانم، باید احمق باشم اگر همه این رنج‌ها را تنها برای ثروت و دارایی خود تحمل نکنم. اما برای به دست آوردن چندرغاز پول دیوانه‌وار کار نکرده‌ام. من برای لذت انجام کار یک معتاد به کار سخت‌کوش شده‌ام. هرگز ثروت و اموال حتی با لذت انجام کار در اداره کردن یک شرکت هم قابل مقایسه نیست. منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۴: افتخار می‌کنم که در آفریقا به سختی کار کرده‌ام)

● افتخار می‌کنم که در آفریقا به سختی کار کرده‌ام.

مهم‌ترین راه به حداقل رساندن خطر در یک موقعیت متغیر مراقبت مداوم از آن است، و دلیل سفرهای من به نقاط مختلف آفریقا همین است. روزهایی که جوانتر بودم، دو یا سه کیسه بزرگ از نمونه کالای مان در هوای بسیار گرم کشورهای آفریقایی به همراه می‌بردم و راه‌های خاکی شهرهای آفریقایی را طی می‌کردم. چنان عرق می‌کردم که گویی تازه دوش گرفته بودم. اما در آن زمان افتخار می‌کردم که اولین صاحب کسب و تجارت کره‌ای بودم که قدم در آن بازار تازه می‌گذاشتم.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۵: آیا کار زیاد به زندگی خانوادگی تان آسیب می‌رساند؟)

● آیا کار زیاد به زندگی خانوادگی تان آسیب می‌رساند؟

خیلی‌ها از من درباره تاثیر کار زیاد بر روی زندگی خانوادگی سوال می‌کنند. من اعتقاد دارم که زندگی خانوادگی خوشبخت، کلید همه دستاوردهای موفقیت‌آمیز است. بیشتر افراد دوو به علاوه خودم، معتقدند که کارکردن زیاد و مداوم به خانواده آسیبی نمی‌رساند، بلکه بر عکس، شکوفایی به بار می‌آورد. اینگونه نگرش ما را از مردم کشورهای پیشرفته متمایز می‌سازد.

حتی اگر خیلی گرفتار باشید، باز هم می‌توانید فرصتی داشته باشید تا با خانواده‌تان سپری کنید. معمولاً کمتر کار داشتن برای افراد ما دردآور است چون ما برای کار ساخته شده‌ایم. ممکن است تصور کنید که از لحاظ اجتماعی آدم محافظه‌کاری هستیم، اما در کره، امریکا و هر کشور دیگری همه چیز بر پایه زندگی خانوادگی و اخلاقیات استوار است. با این وجود یک شوهر آمریکایی که در حدود ۵۰ سال دارد، به خارج از کشور می‌رود و با زن جوان و جذابی آشنا می‌شود و بلافاصله همسرش را طلاق می‌دهد. هر مدیر اجرایی که چنین کاری را در کره انجام دهد، کارش ساخته است. هیچکس به او احترام نمی‌گذارد.

گاهی بین من و همسرم اختلافاتی پیش می‌آید، علیرغم این اختلافات، عشق ما همچنان رو به رشد است. وقتی مشکلاتی بین زن و شوهر بروز می‌کند، صبر می‌تواند همچنان آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر کند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۶: نتایج مثبت جایزه)

● نتایج مثبت جایزه

در سال‌های اولیه تاسیس دوو جوایز بسیاری دریافت می‌کردم که سبب قدردانی اجتماعی بودند در حالی که این جوایز نوعی تشویق به حساب می‌آیند، اما به نوعی محدودیت هم به وجود می‌آورند؛ به دلیل جایزه گرفتن، به دلیل شهرت به عنوان برنده جایزه، و به علت آنکه می‌خواهید قابلیت‌های جایزه گرفتن خود را ثابت کنید، راه دیگری به جز کارکردن بیشتر در پیش ندارید.

این همان کاری بود که من کردم، چون نمی‌خواستم به اعتماد و اطمینانی که جامعه نسبت به من ابراز کرده خیانت کنم.

اگر افراد حتی یک جایزه کوچک هم دریافت کنند، احساس خوبی به آنها دست می‌دهد و به طور طبیعی مردم دوست دارند که تشویق و تمجید شوند. غرور حاصل از گرفتن جایزه در شما انگیزه ایجاد می‌کند که سخت‌تر و بهتر کار کنید.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۷: تنها چیزی که نمی شود از دستش داد)

● تنها چیزی که نمی شود از دستش داد

چیزهای بسیاری وجود که آدم نباید آنها را از دست بدهد. مهم ترین آنها آبرو است. بنابراین برای حفظ آبرو و نام خوب خود چه کار می کنید؟ با خودتان مطابق با عنوانتان رفتار کنید. اگر معلم نامیده می شوید، در صورتی که مثل یک معلم رفتار نکنید، وجهه خود را از دست می دهید. اگر دانشجو نامیده می شوید، از شما انتظار می رود که مثل یک دانشجو رفتار کنید. هر عنوانی شخصیتی را با خود همراه دارد. شما باید قوانین شخصی رفتارهای خاصی داشته باشید و هنگامی که آن قوانین را می شکنید، خودتان را در معرض انتقاد قرار می دهید. آدم هایی در دنیا هستند که نسبت به آنچه که هستند، بی توجهی می کنند. همه اینها تصور غلطی از ماموریت اجتماعی خود که با نام آنها پیوند خورده است، دارند. اداره کردن یک شرکت شامل همین نوع از ماموریت اجتماعی می شود. من اعتقاد دارم که یک کارآفرین شخصی است که ماموریتی به او محول شده که به توسعه اجتماعی و پیشرفت از طریق فعالیت اقتصادی کمک کند.

اگرچه نام گروه دوو اکنون محدوده وسیعی از کسب و تجارت و فعالیت های صنعتی را در بر می گیرد، اما نمی گذارم دوو در زمینه های خاصی از کسب و تجارت شرکت کند. اول بخش خدمات است که تسهیلات لازم برای لذت گزایی را در اختیار دارد.

دوم واردات اقلام مصرفی غیر ضروری است.

سوم حیطه کسب و تجارتي است که با رشد شرکت های متوسط و کوچک تراحم ایجاد می کند.

تمام این محدودیت هایی که خودمان ایجاد کرده ایم، بر اساس نام و آبروی کیم وو- چونگ و دوو است. تمام این نام ها برای ما ارزشمند و محترم هستند.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۸: وادار کردن مردم معمولی به انجام کارهای فوق العاده)

● وادار کردن مردم معمولی به انجام کارهای فوق العاده

اعتقاد دارم که هر کسی قابلیت های بی پایانی دارد، ولی به جز در شرایط استثنایی، هیچگاه این قابلیت ها تحریک نمی شوند.

ما شرکت خود را زمانی تاسیس کردیم که کشور کره فقیر بود، و ما هر روز از ساعت ۷ یا ۸ صبح تا ساعت ۱۱ شب کار می کردیم. توافق کرده بودیم که باید این کار را برای کشور، شرکت و خودمان انجام دهیم. همه ما افتخار می کردیم که ساعات طولانی کار کنیم. این نوع توافق باعث شد که هر کسی نوآوری کند و افکار تازه ای را مطرح کند.

به خاطر توافقی که با هم کرده بودیم، علیرغم ساعات طولانی که کار می کردیم، هیچکس شکایت نداشت. وقتی افراد را به این صورت با هم متحد کنید، قدرت عظیمی بدست می آید.

اگر افراد صمیمانه با هم کار کنند، می توانند مشکلات را حل کنند. کار مهم مدیران این است که بدانند چگونه افراد را جابه جا کنند تا چنین کار خوبی را ارائه دهند. کارخانه کشتی سازی ما که مشکلات فراوانی داشت، قابلیت تولید خود را در سال ۱۰۰ درصد افزایش داد. من آنجا می رفتم و خودم با کارگران سروکله می زدم. در صورتی که به توافق می رسیدیم، قدرت بسیار زیادی آزاد می شد.

اگر می خواهید در اوج بمانید، باید همانقدر سخت تر کار کنید. اگر راضی به وضع موجود باشید، آنهایی که عقب تر از شما هستند فقط کافی است که از شما تقلید کنند و به شما برسند.

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۴۹: در یک اجتماع مصرفی، داراها مشکل ساز هستند).

● در یک اجتماع مصرفی، داراها مشکل ساز هستند.

در چند سال اخیر، ما کره‌ای‌ها نسبتاً مرفه شده‌ایم. متأسفانه یکی از اثرات جانبی این رفاه تازه بوجود آمده اسراف است.

همه مردم در کره دیوانه‌وار پول خرج می‌کنند و هیچ کس پس‌انداز نمی‌کند و این به معنی دردسر است بنابراین باید هزینه‌های خود را کاهش دهیم. حافظه مردم ضعیف است. چون هنوز مدت زیادی نگذشته که ما زنجیرهای فقر را پاره کرده‌ایم.

مصرف زیادی خطرناک است و تبدیل به عادت می‌نویسد. یک ملت مصرف کننده که بیش از استطاعت خود خرج می‌کند، ملتی پر از دردسر است.

ثروتمندان باید از زندگی اشرافی خود دست بکشند. در عوض به رخ کشیدن ثروت خود با مصرف بی‌رویه، باید ثروت خود را با ندارها و نیازمندان قسمت کنند. ما باید اخلاق رفاه عمومی را حفظ کنیم. ثروتمندان باید فاصله بین دارا و ندار را از بین ببرند. این طرز تفکر که به هیچکس ربطی ندارد که ثروتمندان چگونه پولشان را خرج می‌کنند، ملت را به دردسر می‌اندازد.

مسئولیت شخص نسبت به جامعه به نسبت افزایش دارایی‌اش بیشتر می‌شود، هر آنچه که ما داریم از جامعه بوده و توسط جامعه به ما داده شده است.

هرچه بیشتر دارید باید قناعت‌کارتر شوید و مسئولیت بیشتری در قبال هدایت‌گرایش‌های اجتماعی در جهت سالم احساس کنید. این امر با سخت‌تر از دیگران کار کردن و قانع‌تر از دیگران بودن میسر می‌شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۵۰: آیا آمریکا در حال از دست دادن روحیه پیشتازی خود است؟)

● آیا آمریکا در حال از دست دادن روحیه پیشتازی خود است؟

گاهی اوقات نگران می‌شوم که روحیه پیشتازی آمریکا آرام آرام از دست می‌رود، منظور اشتیاق آمریکا برای مبارزه با ناشناخته‌هاست.

به نظر می‌رسد که زندگی خوب در آمریکا توزیع منابع انسانی را منحرف می‌کند. هجوم فارغ‌التحصیلان مستعد به وال استریت، بانک‌های سرمایه‌گذاری و دفاتر وکالت، خلاء استعداد را در صنایع تولیدی آمریکا به وجود می‌آورد. بدون این افراد آمریکا چگونه قرار است که قابلیت تولید را بهتر کند؟

سخت‌کوشی در محل کار به معنای کار کردن در ساعت بیشتر نیست، به معنای کار کردن برای کار هم نیست. ارزش واقعی سخت‌کوشی در محل کار را می‌توان در تعیین یک هدف روشن، داشتن اعتماد به نفس و نهایت سعی خود را کردن جستجو کرد.

به عقیده من سقوط حس رقابت امریکایی نه تنها به علت ضعیف شدن اخلاق کار، بلکه به علت از دست دادن رهبری در صنعت است. رهبری که روزی افتخار جهان بود.

صنعت امریکایی جهان را در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری و افزایش تقاضای جهانی رهبری می‌کرد.

امیدوارم که تولید امریکایی روز به روز بهتر شود، چون برای جهان دارای اهمیت است که ایالات متحده موقعیت رهبری اش را حفظ کند.

اگر کسی از من بپرسد: آیا امریکا دارد روحیه پیشتازی خود را از دست می‌دهد؟ باید بگویم که: خیر. در حقیقت به نظر من گویی امریکا دارد مجدداً روحیه پیشتازی مشهور خود را بدست می‌آورد.
منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۵۱): چرا نمی‌شود سود خود را از جیب دیگران تامین کرد.

● چرا نمی‌شود سود خود را از جیب دیگران تامین کرد.

آدم‌ها نمی‌توانند تنها زندگی کنند. هر کسی جزئی از جامعه است و مردم همه به یکدیگر نیاز دارند. مردم جامعه را می‌سازند و در عین حال، جامعه مردم را می‌سازد.

مفهوم زندگی در از خودگذشتگی یافت می‌شود، نه در خودخواهی و خودپسندی. اما ما تازگی‌ها به مشکلات اجتماعی به وجود آمده توسط مردمی که فکر می‌کنند آنها، و فقط آنها، بدون در نظر گرفتن دیگران، زندگی خوبی خواهند کرد، برمی‌خوریم. اگر شما حتی ذره‌ای برای دیگران ارزش قائل شوید هرگز موادمخدر نخواهید فروخت و یا به مواد غذایی آنها مواد خطرناک اضافه نخواهید کرد.

در هر شغلی که هستید نباید به دام خودخواهی بیفتید. باید پایتان را از دایره حرف و ولع شخصی فراتر گذاشته و به فکر خوشبختی عموم مردم باشید.

با یکدیگر زندگی کردن بسیار فراتر از در کنار یکدیگر زنده بودن است، با هم زندگی کردن شامل باهم رشد کردن و با هم ترقی کردن است، آنچه ما آن را "با هم به رفاه رسیدن" می‌نامیم و این بنیان فلسفه شرکتی من است. من همواره از این دیدگاه به معامله نگاه می‌کنم که طرف مقابل نیز همان قدر از آن سود ببرد که من خواهم برد، ولی چون به این ترتیب، ما یک رابطه دراز مدت سودآور دو طرفه و سالم را تضمین می‌کنیم. بسیار مهم است که به دیگران بفهمانیم که آنها از معامله با شما زیان نخواهند دید.

این اصل احترام متقابل، عدالت و عمل متقابل دو طرفه در تمام روابط انسانی ضروری است و تنها اختصاص به کسب و تجارت ندارد. مردم باید برای منافع یکدیگر کار کنند. وقتی یک شرکت به قیمت ضرر دیگری بخواهد کار کند، جامعه دچار مشکل می‌شود.

منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)

سنگ فرش هر خیابان از طلاست (فصل ۵۲): هشت گام برای یک زندگی کامل – کلام پایانی با جوانان جهان.

● هشت گام برای یک زندگی کامل – کلام پایانی با جوانان جهان

۱- نیروی بالقوه خود را شکوفا کنید: جوانی تنها مرحله‌ای گذرا از کودکی به بلوغ نیست، اغراق نیست اگر بگوییم که این زمان از زندگی شما کیفیت و جهت بقیه زندگی‌تان را تعیین می‌کند.

۲- آرزوهای بزرگ داشته باشید: تاریخ متعلق به کسانی است که آرزوهای بزرگ دارند.

۳- خلاق فکر کنید: تاریخ توسط متفکران و افراد خلاق هدایت می‌شود. جامعه‌ای که قابلیت تولید و خلاقیت را تحسین کند، شکست نمی‌خورد.

۴- چالش طلبی: تاریخ با چالش‌طلبی و شجاعت پیشرفت می‌کند. مردمی که اهل چالش هستند، موفق می‌شوند.

۵- فداکاری: تاریخ با فداکاری رشد می‌کند. یک نسل باید برای رفاه نسل بعدی فداکاری کند.

کتابخانه شخصی بلاگ اشتراک ایده های جدید

- ۶- از خودگذشته باشید: انسان‌ها برای زندگی بایکدیگر به دنیا می‌آیند، هیچ‌کس تنها زندگی نمی‌کند. قبل از خود به جمع فکر کنید، و نفع عموم را به نفع شخصی مقدم بدانید.
- ۷- با خودتان روراست باشید: با خودتان روراست باشید. فکر کنید که کدام راه بهترین روش برای روراستی با خودتان است، به دنبال آن بروید.
- ۸- فروتن باشید: رشد و توسعه از یادگیری سرچشمه می‌گیرد. وقتی فکر کنید که چیزی را می‌دانید، در همان لحظه که فکر می‌کنید واقعاً مهم هستید، رشد متوقف می‌شود.
- چشم و گوش خود را به سوی مناظر و صداها دور و بر خود باز کنید، فروتنی پیشه کنید و سخت بکوشید.
- منبع: کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست (کیم وو چونگ)